

وعده



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: پیدایش ۲۲، عبرانیان ۱۱: ۱۷؛ لایوان ۱۸: ۲۱؛ یوحنا: ۱: ۱ تا ۳؛ رومیان ۵: ۶ تا ۸؛ پیدایش ۲۳ تا ۲۵؛ رومیان ۴: ۱ تا ۱۲.

آیه حفظی: «و اما ابراهیم پیر و سالخورده شده بود، و خداوند او را در همه چیز برکت داده بود» (پیدایش ۲۴: ۱).

سرانجام، همانطور که خدا وعده داده بود، سارا «در ایام پیری» برای ابراهیم پسری به دنیا آورد (پیدایش ۲۱: ۲)، و نام نوزاد را اسحاق گذاشت (به پیدایش ۲۱: ۱ تا ۵ مراجعه کنید). اما داستان ابراهیم هنوز به پایان نرسیده است، و او به نقطه عطف ایمان خود می رسد و پسرش را برای قربانی کردن به کوه موريا می برد. اگرچه، قوچی جایگزین اسحاق می شود (پیدایش ۲۲: ۱۳)، که نشان دهنده تعهد خدا برای برکت دادن ملتها از طریق «نسل» اوست (پیدایش ۲۲: ۱۷، ۱۸). البته آن ذریت عیسی بود (اعمال: ۱۳: ۲۳). بنابراین، در این داستان شگفت انگیز (و از جهاتی نگران کننده) طرح نجات بیشتر آشکار می شود.

هر چند درسهای معنوی عمیقی در اینجا وجود دارد، علیرغم آن، خانواده ابراهیم باید تحت تأثیر آن قرار گرفته باشد و آینده ابراهیم مشخص نیست. سارا پس از واقعه قربانی در موريا (پیدایش ۲۳) می میرد و اسحاق تنها می ماند.

سپس ابراهیم ابتکار عمل را به دست می گیرد تا مطمئن شود که آینده «درستی» در انتظار او خواهد بود. او ازدواج پسر خود را با ربکا [رفقه] (پیدایش ۲۴) ترتیب می دهد، که رفقه دو پسر به دنیا می آورد (پیدایش ۲۵: ۲۱ تا ۲۳)، و خود ابراهیم با قطوره ازدواج می کند، که فرزندان زیادی به او می دهد (پیدایش ۲۵: ۱ تا ۶). این هفته، ما تا پایان عمر ابراهیم را دنبال و بررسی می کنیم (پیدایش ۲۵: ۷ تا ۱۱).

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳۱ اردیبهشت - ۲۱ ماه مه آماده شوید.

کوه موريا

پیدایش ۲۲: ۱ تا ۱۲ و عبرانیان ۱۱: ۱۷ را بخوانید. مفهوم این امتحان چه بود؟ چه درسهای روحانی از این رویداد شگفت انگیز به دست می آید؟

پیدایش ۲۲ در ادبیات جهان به یک کتاب کلاسیک تبدیل شده و به فیلسوفان و هنرمندان و الهیات دانان الهام بخشیده است. با اینحال، درک معنی آزمون خداوند دشوار است. این فرمان الهی با ممنوعیت قربانی های بشری که در کتاب مقدس آمده در تضاد می باشد (لاویان ۱۸: ۲۱)، و مطمئناً به نظر می رسد که بر خلاف وعده خدا در مورد عهد ابدی از طریق اسحاق عمل می کند (پیدایش ۱۵: ۵).

پس هدف از فراخوان خدا به این کار چه بود؟ چرا خداوند او را به این شکل قدرتمند آزمایش می کند؟

مفهوم کتاب مقدسی «آزمایش» (در عبری، בְּיָסָא) دو ایده متضاد را در بر می گیرد که به ایده داوری اشاره دارد، یعنی داوری به منظور پی بردن به آنچه که در قلب آزمایش شونده می گذرد (تثنیه ۸: ۲ را با پیدایش ۲۲: ۱۲ مقایسه کنید).

لیکن ضمانت فیض خدا را برای آزموده شده در بر دارد (خروج ۲۰: ۱۸ تا ۲۰). در این مورد، ایمان ابراهیم به خدا او را به نقطه ای می رساند که خطر از دست دادن «آینده» او (نسل او) وجود دارد. و با این حال، چون به خدا اعتماد دارد، آنچه را که خدا می خواهد انجام می دهد، فرق نمی کند که چقدر درک همه این قضایا سخت و دشوار باشد. گذشته از هر چیز، ایمان چه معنی خواهد داد، اگر به آنچه نمی بینیم یا کاملاً نمی فهمیم اعتماد نکنیم؟

همچنین، ایمان کتاب مقدسی چندان به توانایی ما در تقدیم داشتن به خدا و قربانی برای شفاعت او مربوط نمی شود - گرچه این بدون شک نقشی دارد- (رومیان ۱۲: ۱)، بلکه در مورد توانایی ما در اعتماد به او و دریافت فیض اوست، در حالی که می فهمیم چنانکه باید شایسته و سزاوار نیستیم.

این حقیقت در موارد بعدی دوباره تأیید می شود. همه کارهای ابراهیم، فعالیت های غیورانه او، جریان سفر دردناک وی با پسرش، حتی آمادگی او برای اطاعت و تقدیم بهترین و عزیزترین خود به خدا، هر چند برای او آموزنده بودند، اما نمی توانستند او را نجات دهند. چرا؟ زیرا خداوند خود قوچی را برای قربانی مورد نظر فراهم کرده بود، که خودش به تنها امید نجات او یعنی عیسی، اشاره داشت.

بنابراین ابراهیم باید فیض را درک کرده باشد. این اعمال و کارهای ما برای خداوند نیستند که ما را نجات می دهند، بلکه کار خدا برای ماست (افسیان ۳: ۸؛ مقایسه با رومیان ۱۱:

۳۳)، به هر حال، مانند ابراهیم، ما دعوت شده ایم تا برای خدا کار کنیم، که اقدامات ابراهیم به طور قدرتمندی نمایانگر آنست (یعقوب ۲: ۲ تا ۲۳).

داستان ابراهیم و اسحاق در کوه موریبا به خود شما، شخصاً، در مورد ایمانتان و نحوه بروز آن چه می گوید؟

۲۶ اردیبهشت

دوشنبه

خداوند مهیا خواهد کرد

پیدایش ۲۲: ۸، ۱۴، ۱۸ را بخوانید. چگونه خداوند به وعده خود مبنی بر اینکه او فراهم خواهد کرد، عمل کرد؟ چه چیزی را مهیا کرد؟

وقتی اسحاق در مورد حیوان قربانی سوال کرد، ابراهیم پاسخ جالبی داد: «پسرم، خدا بره قربانی را برای خود فراهم خواهد کرد» (پیدایش ۲۲: ۸). با این حال، شکل کلامی عبری در واقع می تواند به این معنی باشد که «خدا خودش را به عنوان بره فراهم می کند». فعل «فراهم کردن» (yir'eh lo) به گونه ای بکار رفته است که می تواند به معنای «خود را فراهم می کند» باشد (یا به معنای واقعی کلمه، «خود را می بیند»).

بنابراین آنچه در اینجا به ما نشان داده می شود، ماهیت و اصل برنامه نجات است، زیرا خود خداوند رنج می برد و خودش مجازات گناهان ما را می پردازد!

یوحنا ۱: ۱ تا ۳ و رومیان ۵: ۶ تا ۸ را بخوانید. این آیات چگونه به ما کمک می کنند تا آنچه را که در صلیب و در واقعه قربانی کوه موریبا از پیش به تصویر کشیده شده بود را درک کنیم؟

در آنجا، در کوه موریبا، مدتها قبل از صلیب، قوچ قربانی که «شاخ هایش در بوته گرفتار شده بود» (پیدایش ۲۲: ۱۳) درست به عیسی اشاره می کرد. او همان کسی است که در اینجا «دیده می شود»، همانطور که ابراهیم بعداً توضیح داد، «در کوهی که خداوند دیده می شود» (پیدایش ۲۲: ۱۴، ترجمه نویسنده). خود عیسی به بیان نبوی ابراهیم در اینجا اشاره کرده بود هنگامی که او اظهارات ابراهیم را تکرار می کند: «پدر شما ابراهیم شادی می کرد که روز مرا ببیند؛ و آن را دید و شادمان شد» (یوحنا ۸: ۵۶).

«به منظور تحت تأثیر قرار دادن ذهن ابراهیم با واقعیت انجیل و نیز برای آزمون ایمان او بود که خدا به او فرمان داد تا پسرش را قربانی کند. عذابی که او در طول روزهای تاریک

آن آزمون هولناک متحمل شد به او اجازه داد تا بتواند از تجربه خود، عظمت فداکاری خدای سرمدی را برای رستگاری انسان درک نماید» - (الن جی وایت، مشایخ و انبیا، صفحه ۱۵۴).

چگونه اتفاقاتی که در اینجا می افتد به ما کمک می کند تا آنچه در صلیب اتفاق افتاده و آنچه را که خدا از جانب ما متحمل شده را بهتر بفهمیم؟ واکنش ما به آنچه برای ما انجام شده است چگونه باید باشد؟

۲۷ اردیبهشت

سه شنبه

مرگ سارا

در پیدایش ۲۲: ۲۳، ما خبر تولد ربکا را مشاهده می کنیم که چشم انداز ازدواج بین اسحاق و ربکا در آینده است (پیدایش ۲۴). به همین ترتیب، گزارش مرگ و دفن همسر ابراهیم، سارا (پیدایش ۲۳)، که چشم انداز ازدواج وی در آینده با قطوره است (پیدایش ۲۵: ۱ تا ۴).

پیدایش ۲۳ را بخوانید. داستان مرگ و دفن سارا در تحقق وعده خدا به ابراهیم چه نقشی دارد؟

ذکر مرگ سارا پس از داستان قربانی شدن اسحاق نشان می دهد که او ممکن است تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته باشد، که تقریباً به قیمت جان پسر او بوده است. سارا نیز به نوعی با همسرش در این «آزمایش» الهی مشارکت داشت، همانطور که او در سفرها و اشتباهات گاه و بیگاه او در ایمان همراه بود (پیدایش ۱۲: ۱۱ تا ۱۳).

اگرچه نمی دانیم سارا چقدر از این حادثه پس از وقوع آن مطلع بوده است، اما می توان نتیجه گرفت که او احتمالاً سرانجام از آن مطلع شده است. سارا آن زنی نبود که در مورد مسائلی که برای او مهم بود یا او را آزار می داد سکوت کند (مقایسه کنید با پیدایش ۱۶: ۳ تا ۵؛ پیدایش ۱۸: ۱۵؛ پیدایش ۲۱: ۹، ۱۰). غیبت و سکوت او، و حتی زمان مرگ او پس از آن رویداد دراماتیک، بیشتر حاکی از ارتباط او با این وقایع است، تا حضور فیزیکی او در این داستان. این واقعیت که به سالخوردگی سارا اشاره شده است (پیدایش ۲۳: ۱)، در بازگویی سالخوردگی ابراهیم (پیدایش ۲۴: ۱)، اهمیت او را در این داستان نشان می دهد.

در واقع، سارا تنها زنی است که در عهد عتیق تعداد سالهای عمر وی ذکر شده است، که می تواند حتی بعد از این واقعیت دخالت وی را در داستان نشان دهد. تمرکز بر خرید محل دفن سارا (که اکثر فصل را در بر می گیرد)، و نه بر مرگ او، بر ارتباط با سرزمین موعود تأکید دارد.

قبلاً این مشخصه که او «در سرزمین کنعان» درگذشت (پیدایش ۲۳: ۲) ریشه و ارتباط مرگ سارا را در وعده خدا در مورد این سرزمین نشان می دهد. سارا اولین متوفی از قبیله ابراهیم است که در سرزمین موعود مرده و دفن شده است. نگرانی ابراهیم در مورد خود، «غریب و مهمان»

(پیدایش ۲۳:۴)، و مشاجره و پافشاری او با فرزندان حیث، نشان می دهد که ابراهیم نه تنها به دنبال به دست آوردن محل دفن است؛ او در درجه اول نگران اقامت دائم در این سرزمین است.

پیدایش ۲۳:۶ را بخوانید. این در مورد شهرت و اعتبار ابراهیم به ما چه می گوید؟ چرا این امر در درک اینکه خداوند از او برای انجام چه کاری استفاده کرده است، اهمیت دارد؟

چهارشنبه

۲۸ اردیبهشت

همسری برای اسحاق

پیدایش ۲۴ داستان ازدواج اسحاق پس از مرگ سارا را روایت می کند. این دو داستان به هم مرتبط هستند.

پیدایش ۲۴ را بخوانید. چرا ابراهیم اینقدر نگران است که پسرش با زنی از کنعانیان ازدواج نکند؟

همانطور که ابراهیم می خواست زمین را به منظور دفن همسرش به دست آورد، به دلیل وعده خدا به فرزندانش که این سرزمین را در اختیار خواهند داشت، او اکنون اصرار دارد که اسحاق نیز خارج از سرزمین موعود ساکن نشود (پیدایش ۲۴:۷). همچنین اقدام اسحاق برای آوردن عروسش به چادر سارا و دل بستن به ربکا «پس از مرگ مادرش» و تسلی یافتن اسحاق (پیدایش ۲۴:۶۷) به مرگ سارا باز می گردد، که دلالت بر درد و غم اسحاق در از دست دادن مادرش دارد.

داستان مملو از دعا و اجابت دعاها و سرشار از درسهایی در مورد مشیت و عنایت الهی و آزادی انسان است. این با سخنان ابراهیم شروع می شود. ابراهیم با قسم به «یهوه، خدای آسمان و خدای زمین» (پیدایش ۲۴:۳)، در درجه اول خدا را به عنوان خالق تصدیق و قدردانی می کند (پیدایش ۱:۱، پیدایش ۱۴:۱۹)، با تأثیر مستقیم بر تولد فرزندان ابراهیم، از جمله خود مسیح. اشاره به «فرشته او» و «یهوه خدای آسمان» (پیدایش ۲۴:۷) به فرشته خداوند اشاره می کند که از آسمان آمده بود تا اسحاق را از ذبح شدن نجات دهد (پیدایش ۲۲:۱۱). خدایی که جهان را کنترل می کند، فرشته خداوند که برای نجات اسحاق مداخله کرد، در این مسئله ازدواج او را راهنمایی خواهد کرد.

اما ابراهیم این احتمال را در نظر می گیرد که زن فراخوان خداوند را اجابت نکند. خدا هر قدر هم که قدرتمند باشد، انسان ها را وادار به اطاعت از وی نمی کند. اگرچه نقشه خدا برای ربکا پیروی از الیعازر است، اما او در انتخاب خود آزاد است. یعنی این احتمال وجود داشت که این زن مایل به آمدن نباشد و در غیر این صورت به زور آورده نمی شد. از این رو، ما در اینجا نمونه دیگری از راز بزرگی را می بینیم که نشان می دهد خدا چگونه

به ما، به عنوان انسان، اختیار، آزادی انتخاب، و استقلال داده است و او این حق را زیر پا نمی گذارد. (اگر او چنین می کرد، دیگر اختیار و آزادی نبود) و با این وجود، به هر حال، با وجود واقعیت آزادی اختیار انسان، و بسیاری از انتخاب های وحشتناکی که انسانها با آن اختیار آزاد انجام می دهند، ما هنوز می توانیم به این اطمینان داشته باشیم که در پایان محبت و نیکویی خدا پیروز خواهد بود.

چرا اینقدر آرامش بخش است که بدانیم در حالی که همه چیز به خواست و اراده خدا نیست، اما او همچنان همه چیز را تحت کنترل دارد؟ به عنوان مثال، نبوت هایی مانند دانیال ۲ چگونه این نکته را به ما ثابت می کنند؟

۲۹ اردیبهشت

پنجشنبه

همسری برای ابراهیم

پیدایش ۲۴: ۶۷ تا ۲۵: ۸ را بخوانید. معنای این وقایع نهایی در زندگی ابراهیم چیست؟

پس از مرگ سارا، ابراهیم دوباره ازدواج کرد. او نیز مانند اسحاق پس از مرگ سارا تسلی می یابد (پیدایش ۲۴: ۶۷). خاطره سارا همچنان باید در ذهن بزرگ خاندان زنده باشد، همانطور که برای پسرش وجود داشت.

با این حال، هویت همسر جدید وی مشخص نیست. این واقعیت که تاریخ نویس، فرزندان قطوره را با فرزندان هاجر یکی می کند، بدون ذکر نام قطوره، با این حال نشان می دهد که قطوره می تواند (همانطور که برخی مطرح کرده اند) هاجر باشد. ما نمی دانیم. همچنین بسیار مهم است که ابراهیم با پسران قطوره مانند پسر هاجر رفتار می کند: او آنها را دور می کند تا از هرگونه تأثیر روحانی بر روی آنها و تمایز واضح بین پسر مشترکش با سارا و دیگر پسران جلوگیری کند. او همچنین «هرچه داشت به اسحاق» می بخشد (پیدایش ۲۵: ۵) در حالی که «به فرزندان متعه هایش هدایایی را داد» (پیدایش ۲۵: ۶). طبقه بندی «متععه ها» همچنین ممکن است دلالت کند که قطوره، مانند هاجر، متعه بوده است. شناسایی احتمالی قطوره به عنوان هاجر همچنین ممکن است اشاره ای زیرکانه به حافظه سارا به عنوان توجیه و مقدمه ای برای ازدواجش با قطوره — هاجر باشد.

نکته جالب این است که در پیدایش ۲۵: ۱ تا ۴، ۱۲: ۱۸، فهرستی از فرزندان ابراهیم با قطوره و همچنین فهرستی از فرزندان اسماعیل آورده شده است. هدف شجره نامه پس از ازدواج ابراهیم با قطوره، که به او شش پسر داد، در مقابل دو پسر دیگرش (اسحاق و اسماعیل)، شاید ارائه شواهدی بدیهی و اجتناب ناپذیر از وعده خدا باشد مبنی بر اینکه ابراهیم پدر بسیاری از ملل خواهد بود.

شجره نامه دوم نیز مربوط به فرزندان اسماعیل بود که ۱۲ قبیله را تشکیل می دادند (مقایسه کنید با پیدایش ۱۷: ۲۰)، درست مانند آنچه که برای یعقوب اتفاق می افتاد (پیدایش ۳۵: ۲۲ تا ۲۶). اگرچه، البته، عهد خدا مختص و متعلق به نسل اسحاق خواهد بود (پیدایش ۱۷: ۲۱) و نه اسماعیل، نکته ای که کتاب مقدس در مورد آن بسیار صریح و روشن است. گزارش مرگ ابراهیم بین دو تبارشناسی پیچیده است (پیدایش ۲۵: ۷ تا ۱۱) نیز بر برکت خداوند گواهی می دهد. این نشان دهنده وعده او به ابراهیم است که سالها قبل به او داده شده بود، مبنی بر اینکه او در «کمال کهنسالگی» (پیدایش ۱۵: ۱۵) و بعد از «سالیان دراز» خواهد مرد (با جامعه ۶: ۳ مقایسه کنید).

در پایان، خداوند به وعده های فیض خود به بنده وفادارش ابراهیم وفادار ماند، کسی که ایمان او در کتاب مقدس به عنوان یک نمونه عالی، اگر نه بهترین مثال، در عهد عتیق به عنوان نجات و رستگاری به وسیله ایمان نشان داده شده است (رومیان ۴: ۱ تا ۱۲ را ملاحظه کنید).

جمعه

۳۰ اردیبهشت

تفکری فراتر: از آنجا که ابراهیم پیامبر خارق العاده ای بود که خدا برنامه های خود را با او در میان می گذاشت (پیدایش ۱۸: ۱۷)، خدا وارد قلمرو انسانی ابراهیم شد و تا حدی برنامه نجات خود را از طریق قربانی شدن پسرش با او در میان گذاشت.

«اسحاق شکلی تمثیلی از پسر خدا بود که برای گناهان جهان قربانی شد. خدا ابراهیم را بوسیله انجیل نجات بخش انسان تحت تاثیر قرار می دهد. به منظور انجام این کار، حقیقت را برای او به واقعیت تبدیل کرد و همچنین ایمان وی را آزمایش کرد، خداوند از او خواست که اسحاق عزیز خود را قربانی کند. تمام غم و اندوهی که ابراهیم در آن آزمون ترسناک متحمل شد به منظور تحت تأثیر عمیق قرار دادن او برای درک او از طرح نجات انسان گناهکار بود. او در تجربه خود فهمیده بود که چقدر از خود گذشتگی خداوند لایزال در قربانی کردن پسر خود برای نجات انسان از نابودی مطلق غیرقابل توصیف است. از نظر ابراهیم هیچ عذاب روحی و روانی نمی تواند برابر زجر و عذابی باشد که او در اطاعت از فرمان الهی برای قربانی کردن پسرش متحمل شد» - الن جی وایت، شهادت هایی برای کلیسا، جلد سوم، ص. ۳۶۹.

«ابراهیم پیر و سالخورده شده بود و به زودی ممکن بود که بمیرد، اما یک کار باقی مانده بود که می بایستی برای تضمین تحقق وعده به فرزندانش، انجام دهد. اسحاق، کسی بود که از جانب خداوند تعیین شده بود تا به عنوان محافظ احکام او، جانشین ابراهیم گردد و پدر قوم برگزیده باشد، اما او هنوز ازدواج نکرده بود. ساکنان کنعان گرفتار بت پرستی شده بودند و خداوند وصلت قوم خود با ایشان را قدهن کرده بود، زیرا چنین وصلتهایی ایشان را به سوی ارتداد می کشاند. ابراهیم از عواقب تأثیرات فاسد کننده ای که پسرش را احاطه کرده بود، می ترسید. ایمان دایمی او به خداوند و اطاعت از اراده او در رفتار و شخصیت اسحاق منعکس بود، با این حال، اسحاق به عنوان یک مرد جوان، بسیار احساساتی، ملایم و تسلیم پذیر بود. اگر او با کسی که خدا ترس نبود وصلت می کرد، این خطر وجود داشت که به خاطر سازگاری

با همسرش، اصول اعتقادی خویش را فدا کند. از نظر ابراهیم، انتخاب همسر برای پسرش، موضوع بسیار مهمی بود. او مشتاق بود تا اسحاق با کسی ازدواج کند که باعث جدایی او از خداوند نشود» - (الن جی وایت، مشایخ و انبیا، صفحه ۱۷۱).

سوالاتی برای بحث:

۱. در کلاس، در مورد میل و رضایت ابراهیم به قربانی کردن اسحاق صحبت کنید. سعی کنید نوع ایمانی را که این روایت نشان می دهد تصور کنید. چه چیزی در این داستان بسیار شگفت انگیز و در عین حال نگران کننده است؟

۲. در مورد اختیار آزادی چطور؟ چرا ایمان ما بدون این که به واقعیت تبدیل شود و به عمل برسد هیچ معنایی ندارد؟ چه نمونه هایی در کتاب مقدس از اختیار آزاد داریم و چگونه، با وجود انتخاب های نادرست مردم، در نهایت اراده خدا محقق می شود؟
